

فلسفه ی بزرگ داشت اربعین حسینی (علیه السلام) چیست؟

<"xml encoding="UTF-8?">



فلسفه ی بزرگ داشت اربعین حسینی (ع) چیست؟

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: «علامات المؤمن خمس: صلاة احدى و الخمسين و زیارة الاربعین والتختم فی الیمین و تعفیر الجبین والجهر به بسم الله الرحمن الرحیم؛ نشانه‌های مؤمن و شیعه، پنج چیز است: اقامه نماز پنجاه و یک رکعت، زیارت اربعین حسینی، انگشت در دست راست کردن، سجده بر خاک و بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم». (تهذیب 6/52)

مراد از نماز پنجاه و یک رکعت، همان هفده رکعت نماز واجب روزانه به اضافه نمازهای نافله است که جبران کننده نقص و ضعف نمازهای واجب است؛ به ویژه اقامه نماز شب در سحر که بسیار مفید است.

موارد دیگری نیز که در روایت یاد شده، همگی از مختصات شیعیان است؛ زیرا فقط شیعه است که سجده بر خاک دارد و نیز غیرشیعه است که یا بسم الله الرحمن الرحیم را نمیگویند یا آهسته تلفظ می کنند. همچنین شیعه است که انگشت در دست راست کردن و نیز زیارت اربعین حسینی را مستحب میدانند.

مراد از زیارت اربعین، زیارت چهل مؤمن نیست؛ زیرا این مسئله اختصاص به شیعه ندارد و نیز «الف و لام» در کلمه «الاربعین»، نشان میدهد که مقصود امام عسکری (علیه السلام) اربعین معروف و معهود نزد مردم است. اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه‌های ایمان است، بلکه طبق این روایت در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. بر پایه این روایت، همان گونه که نماز ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است.

به دیگر سخن، بر اساس فرموده رسول خدا (صلی الله علیه وآله و سلم)، عصاره رسالت (نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم)) قرآن و عترت است؛ «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی». (بحارلأنوار 89/13) عصاره کتاب الهی که دین خداست، ستونی دارد که نماز است و عصاره عترت نیز ستونش زیارت اربعین است که این دو ستون در روایت امام عسکری (علیه السلام) در کنار هم ذکر شده است؛ اما مهم آن است که دریابیم نماز و زیارت اربعین، انسان را چگونه متدین میکنند؟

درباره نماز، ذات اقدس الهی، معارف فراوانی را ذکر کرده است. مثلاً فرموده: انسان، فطرتاً موحد است، ولی

طبیعت او به هنگام حوادث تلخ، جزع دارد و در حوادث شیرین از خیر جلوگیری میکند، مگر انسان‌های نمازگزار، که آنان میتوانند این خوی سرکش طبیعت را تعدیل کنند و از هلوع، جزع و منوع بودن به درآیند و مشمول رحمت‌های خاص الهی باشند؛ «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً * وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً * إِلَّا الْمُصَلِّينَ». (معارج / 19-22)

زیارت اربعین نیز انسان را از جزع، هلوع و منوع بودن باز میدارد و گفته شد که هدف اساسی سالار شهیدان نیز تعلیم و تزکیه مردم بوده است و در این راه، هم از طریق بیان و بنان اقدام کرد و هم از راه بذل خون جگر که جمع میان این راه‌ها از ویژگی‌های ممتاز آن حضرت (علیه السلام) است. خلاصه آن که، رسالت رسول اکرم ((صلی الله علیه و آله و سلم)) تعلیم کتاب و حکمت از یک سو و تزکیه نفوس مردم از سوی دیگر بود تا هم جاهلان را عالم نماید و هم گمراهان را هدایت کند. همین دو هدف، در متن زیارت اربعین سالار شهیدان (علیه السلام) تعبیه شد؛ چنان که منشأ ددمنشی منکران رسالت و دشمنان نبوت، حب دنیا و شیدایی زرق و برق آن بود و عامل مهم توحش منکران ولایت و دشمنان امامت نیز همان غطرسه دنیا و دل باختگی به آن بود، که در بخشی از زیارت اربعین به آن اشارت رفته است: «وتغطرس و تردی فی هواه».

زیارت مأثور در اربعین

در روایت شیعه برای روز اربعین حسینی دستورهایی وجود دارد؛ مانند خواندن زیارت مخصوص آن روز در پیش از ظهر که پس از آن دو رکعت نماز نیز خوانده میشود و دعا در آن وقت مستجاب است. در زیارت اربعین، هدف قیام امام حسین (علیه السلام)، همان هدف رسالت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دانسته شده است. بر اساس قرآن و نهج البلاغه، هدف رسالت انبیای الهی، دو چیز است: یکی عالم کردن مردم و دیگری عاقل نمودن آن‌ها با تهذیب نفس. کسانی که علم ندارند، دستور خدا را نمی‌دانند و توان تربیت خود یا دیگران را ندارند. برخی نیز عالمند، ولی در اثر نداشتن عقل به دانش خود عمل نمی‌کنند.

در قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم (علیه السلام) نقل شده که به خداوند عرض کرد: پیامبری مبعوث فرما که مردم را عالم و مهذب کند؛ «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ ... فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ». (بقره/129) خداوند دعای آن حضرت را اجابت کرد و در سوره «جمعه» فرمود: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ».

امیرمؤمنان (علیه السلام) در تشریح بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «فهدیهم به من الضلالة و انقذهم بمكانه من الجهالة»؛ (نهج البلاغه، خ 1) یعنی خداوند به دست پیامبرش مردم را عالم و عادل کرد.

امام حسین (علیه السلام) نیز که به حساب ملکوت و اتصال نور وجودی، از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

است و صاحب ولایت؛ «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ»، (بحارالانوار 43/261) باید مردم را عالم و عادل کند؛ یعنی احکام و دستورها و معارف دین را به آنان بیاموزاند و آنان را از اهل عمل کند.

همه اهل بیت (علیهم السلام) این وظیفه را به عهده داشتند و با تدریس، ارشاد، سخنرانی و نوشتن نامه به وظیفه خود عمل میکردند؛ ولی سیدالشهدا (علیه السلام)، افزون بر کارهای یاد شده، به سبب یأس از تأثیر اساسی این ابزار در شرایطی قرار گرفت که خون جگر خود را نیز برای نیل به هدف اعطا کرد. تنها آن حضرت (علیه السلام) بود که هم مبارزه فرهنگی و سیاسی و اجتهادی داشت، هم نبرد جهادی.

چنانکه در زیارت اربعین آن حضرت میخوانیم: «فَاعْذَرْ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ التُّصَحَّ وَ بَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الصَّلَاةِ»؛ یعنی آن حضرت (علیه السلام) با اتمام حجت بر خلق، هر عذری را از امت رفع کرد و اندرز و نصیحت آنان را با مهربانی انجام داد و خون پاکش را در راه تو - ای خدا - نثار کرد تا بندگان را از جهالت و حیرت و گمراهی نجات دهد.

اعذار و نصح و بذل خون آن حضرت (علیه السلام)، همگی برای عالم و عادل کردن انسان هایی بود که در دریای هلاکت جهل علمی و فساد اخلاقی غوطه ور بودند؛ چنان که برخی از انبیای گذشته نیز صرف نظر از تبلیغ، تعلیم و تحقیق اجتهادی، به نبرد جهادی نیز مبادرت نمودند و شربت شهادت نوشیدند تا جاهلیت را به تمدن اسلامی بدل نمایند.

نشریه افق حوزه، 29 دیماه 1389، شماره 297